



سال دهم / پاییز ۱۴۰۰

بررسی عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی در بروز پدیده

حیوان‌آزاری در میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

- مجید فولادیان^۱
- نجمه جامی^۲
- مهدی کلاهی^۳

DOR: 20.1001.1.38552322.1400.10.40.9.2

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی زمینه‌ها و بسترهای محرک حیوان‌آزاری انجام شده است. حیوان‌آزاری از مصادیق بارز کنش‌های انحرافی در جامعه است. در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل اهمیت فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم، این رفتار جرم تلقی می‌شود و برای آن مجازات در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا، این نوع خشونت‌ها در صورت پیگیری‌نکردن و درمان‌نشدن فرد آسیب‌دیده می‌تواند فجایع انسانی، گسترش خشونت، افزایش میزان جرائم و ناامنی در جامعه در پی داشته باشد. با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش برای تبیین پدیده حیوان‌آزاری از نظریه‌های حوزه جامعه‌شناسی انحرافات استفاده شده است. به دلیل نبود آمار رسمی در حوزه حیوان‌آزاری، ابتدا پژوهشگران مطالعه حاضر دو گروه حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار را شناسایی و تفکیک کردند. سپس با استفاده از روش علی-مقایسه‌ای علل محرک این پدیده تبیین شد. جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان دبستان پسرانه بعثت واقع در منطقه حاشیه‌نشین نجف در شهر مشهد بودند. جمع‌آوری داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته انجام شد. داده‌ها با آزمون ناپارامتری یو مان ویتنی از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین دو گروه حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در شاخص‌های تحصیلات والدین، حس بی‌قدرتی، احساس ناکامی، تبعیض اجتماعی، خشونت خانگی، خطرپذیری، داغ ننگ، دلبستگی به والدین، طرد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، نحوه گذران اوقات فراغت، محرومیت نسبی و همسالان نابهنجار، تفاوت معنادار وجود داشت و بین دو شاخص خشونت در مدرسه و شغل والدین تفاوت معنادار مشاهده نشد؛ در نتیجه می‌توان حس بی‌قدرتی، احساس ناکامی، احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض اجتماعی، تجربه خشونت خانگی، همسالان نابهنجار، مسئولیت‌پذیری، خطرپذیری، احساس داغ ننگ، نحوه گذران اوقات فراغت، تحصیلات والدین و طرد اجتماعی را از عوامل مؤثر در بروز پدیده حیوان‌آزاری دانست.

واژگان کلیدی: انحراف اجتماعی، خشونت، حیوان‌آزاری، اخلاق زیست‌محیطی.

۱ دانشگاه فردوسی مشهد؛ fouladiyan@um.ac.ir

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد؛ najmeh_jm@yahoo.com

۳ استادیار دانشکده مهندسی منابع طبیعی و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد؛

mahdikolahi@ferdowsi.um.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

رابطه بین فرهنگ و محیط اطراف از بسیاری ابعاد اهمیت دارد؛ زیرا، از تأثیر محیط زیست است که فرهنگ ما بر ما اثر می‌کند. محیط زیست ما در قالب فرهنگمان درمی‌آید و فرهنگ نیز در قالب محیط زیست ما درمی‌آید (افلاکی، ۱۳۸۶). سلامت محیط زیست هر جامعه‌ای ضامن سلامت کامل آن است؛ یعنی محیط زیست و جامعه به یکدیگر وابسته‌اند و اگر یکی را نادیده بگیریم، دیگری نیز از بین خواهد رفت (اسلام‌زاده، ۱۳۸۲). فرهنگ، عامل اصلی و به معنای موتور توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست است. بهبود محیط زیست زمانی حاصل می‌شود که محیط طبیعی و محیط فرهنگی انسان باهم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست‌محیطی در تمام اقشار یک جامعه در یک کشور است. اخلاق زیست‌محیطی، رفتار ایده‌آل بشر در برخورد با محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است (ازدوری، ۱۳۸۲). بخشی از اخلاق زیست‌محیطی به رعایت حقوق گونه‌های غیرانسانی مربوط می‌شود؛ یعنی کنش‌های افراد جامعه در قبال موجودات می‌تواند سلامت یک جامعه را تعیین کند. در آموزه‌های اسلامی از جمله در نهج‌البلاغه بر اخلاق زیست‌محیطی نوع رفتار با دیگر موجودات و رعایت حقوق آن‌ها به مثابه موجوداتی دارای درک و حس تأکید شده است؛ زیرا، در تعامل صحیح همه موجودات با یکدیگر است که زیست سالم‌تری در هستی پدید خواهد آمد (رضایی، ۱۳۸۹)؛ بدین ترتیب، برای پیشروی به سوی داشتن جامعه‌ای سالم و پویا به حس مسئولیت‌پذیری و وجود اخلاق زیست‌محیطی در شهروندان یک جامعه نیاز است.

توجه روزافزون به حیات حیوانات شهری در زندگی بشر و در جوامع پیشرفته موجب شده است که انسان‌ها به‌ویژه در هنگام وقوع پدیده‌های طبیعی به نقش جانوران توجه کنند و محیط مشترک بین خود و آن‌ها را بیش‌ازپیش گسترش دهند. در سه ماهه آخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، جنبش‌هایی که بیشتر آن به سرکردگی زنان بود، برای حمایت از حقوق حیوانات شکل گرفتند. این جنبش‌ها خواهان دفاع از حقوق حیوانات و جلوگیری از آزار و اذیت آن‌ها بودند؛ به طوری که با تأکید بر آثار مثبت این موجودات بر زندگی روزمره انسان‌ها و همچنین اثرگذاری خشونت علیه حیوانات بر خشونت علیه مردم دیگر، در زمینه حقوق حیوانات اقدامات مثبتی انجام شده است (تراینی^۱، ۲۰۱۶).

تمام موجودات حق زندگی آزادانه روی کره زمین را دارند و این موضوع مهم بر عهده انسان‌هاست تا از محیط‌زیست و به‌خصوص حیوانات حمایت کنند؛ زیرا، این موجودات قدرت مطالبه‌گری حق خود را ندارند. افزون بر این، جوامع انسانی باید از گونه‌گرایی دوری کنند و ارج‌گذاری یکسان موجودات را مدنظر خود قرار دهند. به‌دلیل دخالت بی‌رویه انسان‌ها در اکوسیستم، بی‌مهری آن‌ها به سایر موجودات کره زمین و عطش سیری‌ناپذیر آن‌ها در تمامیت‌خواهی و سلطه‌یابی، زندگی حیوانات از ابعاد زیادی تغییر کرده و از نظم طبیعی خود خارج شده است. در این میان، حیوانات شهری نیز پس از اهلی شدن توسط انسان‌ها در بسیاری از جوامع به حال خود رها شده‌اند و امروزه این موضوع به معضلی بزرگ تبدیل شده است؛ هرچند این موجودات جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان به شمار می‌روند.

رفتار با حیوانات جزو رفتارهایی است که در جریان اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شود. افراد با اهداف متفاوتی از جمله سرگرمی، خرافه‌پرستی، عوامل فرهنگی و اقتصادی و نیز آداب و رسوم، حیوانات را هدف خودخواهی و نیازهای خود قرار می‌دهند. اینکه حیوانات عقل ندارند، ممکن است تاحدودی صحیح باشد، اما آن‌ها موجوداتی ذی‌روح هستند و دارای درک و احساس هستند. براساس پژوهش‌ها، سیستم عصبی-مرکزی انسان‌ها و پستانداران بسیار به هم شبیه است؛ بنابراین، عکس‌العمل آن‌ها به درد باهم یکسان است (سینگر^۱، ۱۳۹۶). بسیاری از بلاهایی که انسان بر سر محیط‌زیست و ساکنان طبیعی آن می‌آورد، یا به‌دلیل نادانی اوست یا به‌دلیل ناچاری یا به‌منظور کسب سود و منفعت مادی است، اما برخی از افراد نیز هستند که کاملاً آگاهانه و تنها برای تفریح، سرگرمی و خنده دست به آزار، شکنجه و نابودی حیوانات می‌زنند؛ به همین دلیل، حیوان‌آزاری^۲ یکی از اختلال‌های روانی و جامعه‌ستیزی ذکر شده است که در آن، فرد از آزاررساندن به حیوانات لذت می‌برد. این اختلال یکی از انواع بداخلاقی‌های اجتماعی و بزهکاری است. تعاریف متعددی برای پدیده حیوان‌آزاری وجود دارد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان حیوان‌آزاری را به‌صورت ظلم و ستم به حیوان در اثر انجام‌دادن رفتارهایی تعریف کرد که سبب آسیب روانی، جسمی، درد غیرضروری، رنج، سوءاستفاده و درنهایت مرگ حیوان می‌شود.

رفتار انحرافی به رفتاری اشاره دارد که با انتظارات رفتاری مشترک یک گروه خاص سازگاری ندارد و دیگر اعضای جامعه آن را ناپسند یا نادرست می‌دانند. درواقع، هر جامعه از

1 Singer

2 animal cruelty

اعضای خود انتظار دارد از ارزش‌ها و هنجارها تبعیت کند، اما همواره عده‌ای از افراد جامعه هستند که پاره‌ای از این ارزش‌ها و هنجارها را رعایت نمی‌کنند. جامعه افرادی را که هماهنگ و همساز با ارزش‌ها و هنجارها باشند، «سازگار» یا «همنوا» می‌نامد و اشخاصی را که برخلاف آن ارزش‌ها و هنجارها رفتار می‌کنند، «ناسازگار» یا «ناهمنوا» می‌خواند؛ بنابراین، منظور از همنوایی اجتماعی، رعایت کردن هنجارهاست و منظور از ناسازگاری اجتماعی، نقض هنجارهای اجتماعی است؛ از این رو، کسانی که با جامعه هم‌نوا هستند، «بهنجار» و آنان که این هم‌نوایی را ندارند، «نابهنجار» نام می‌گیرند (ستوده، ۱۳۷۵). در مراحل رشد و شکل‌گیری شخصیت فرد عوامل بسیاری دخیل هستند که وجود آن‌ها در کنار هم می‌تواند از شخص، یک انسان هم‌نوا با اجتماع یا برعکس، انسان ضداجتماعی بسازد؛ البته تمامی شکل‌های ناهم‌نوایی و بدعت را نمی‌توان محکوم کرد؛ بلکه آن دسته از ناهم‌نوایی‌هایی را باید محکوم کرد که به جریحه‌دار شدن وجدان جمعی و آسیب به جامعه منجر می‌شوند. در این پژوهش نیز پدیدهٔ حیوان‌آزاری به‌عنوان کنشی انحرافی مدنظر می‌باشد. انسان‌شناس معروف، آلبرت شوایتزر^۱، اظهار کرده است که ۹۰ درصد از جنایتکاران در کودکی از شکنجه‌دادن و کشتن حیوانات لذت می‌بردند. کارشناسان این موضوع را در پرونده‌های قتل‌های زنجیره‌ای تأیید کرده‌اند؛ به همین دلیل در کشورهای توسعه‌یافته پدیدهٔ حیوان‌آزاری جرم تلقی می‌شود و برای آن مجازات در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا این نوع خشونت‌ها در صورت پیگیری‌نکردن و درمان‌نشدن افرادی که این نوع خشونت‌ها را انجام می‌دهند، می‌توانند فجایع انسانی، گسترش خشونت، افزایش میزان جرایم و ناامنی در جامعه را به همراه داشته باشد.

باتوجه به مطالب ذکرشده، حیوان‌آزاری کنشی انحرافی مدنظر قرار می‌گیرد و سؤال اصلی در این پژوهش این است که افراد حیوان‌آزار چه تفاوتی با افراد غیرحیوان‌آزار دارند و عوامل مؤثر در حیوان‌آزاری چیست؟

پیشینهٔ تجربی

حیوان‌آزاری پدیده‌ای است که در رشته‌های علمی متنوعی به آن توجه شده است. پژوهش حاضر دغدغهٔ جامعه‌شناختی دارد که به‌دنبال چرایی انجام‌شدن کنش حیوان‌آزاری است. براساس آثار مطالعه‌شده، تاکنون هیچ پژوهشی مشابه در این زمینه انجام نشده است و هیچ پژوهش دردسترسی یافت نشد. ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون در هیچ پژوهش

1 Albert Schweitzer

داخلی از دیدگاه جامعه‌شناختی پدیده حیوان‌آزاری بررسی نشده است؛ بنابراین، به بررسی اجمالی پژوهش‌های خارجی در این زمینه پرداخته می‌شود. همچنین در حوزه فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی پژوهشی داخلی درباره حیوان‌آزاری انجام شده است که درباره آن‌ها توضیح داده می‌شود.

بالدری^۱ (۲۰۰۳) پژوهشی با هدف بررسی حیوان‌آزاری و خشونت متقابل در بین جوانان ایتالیا از طریق مصاحبه با محصلان ۹ تا ۱۷ سال مناطق متفاوت ایتالیا انجام داد. او به این نتیجه دست یافت که خشونت متقابل اعضای خانواده سبب می‌شود که این خشونت به کودکان نیز منتقل شود و آن‌ها تخلیه خشم خود را در کودکی به صورت حیوان‌آزاری و در بزرگسالی به دیگر افراد جامعه نشان دهند.

برین^۲ (۲۰۰۴) پژوهشی به منظور حیوان‌آزاری تا خشونت بین‌فردی از طریق مصاحبه با زنانی که مورد خشونت خانگی قرار گرفته بودند، انجام داد. او به این نتیجه دست یافت که همسر این افراد سابقه حیوان‌آزاری یا قتل حیوان داشتند و حیوان‌آزاری یکی از نمودهای خشونت خانگی آن‌ها بود.

هنری^۳ (۲۰۰۴) پژوهشی در زمینه ارتباط بین حیوان‌آزاری، خشونت و نگرش به درمان حیوانات از طریق مصاحبه با دانشجویان کالج انجام داد. یافته‌ها نشان داد دانشجویانی که مشاهده‌کننده حیوان‌آزاری بودند، نسبت به افرادی که در حیوان‌آزاری مشارکت داشتند، خشونت کمتری در بزرگسالی و به دیگر انسان‌های جامعه از خود نشان دادند. افرادی که مشاهده‌کننده پدیده حیوان‌آزاری بودند در مقایسه با مشارکت‌کنندگان در این امر به رعایت حقوق حیوانات توجه بیشتری نشان دادند و در نهایت، احتمال ایجاد رفتارهای ضداجتماعی دیگر در افراد حیوان‌آزار بیشتر بود.

تالیشت و هانسلی^۴ (۲۰۰۴) پژوهشی با عنوان «کشف ارتباط بین حیوان‌آزاری در کودکی و نوجوانی و جرایم ناشی از خشونت در بزرگسالی» انجام دادند. آن‌ها از طریق مصاحبه با زندانیان مرد به این نتایج دست یافتند که بین حیوان‌آزاری در سنین کودکی و ارتکاب جرم در بزرگسالی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین حیوان‌آزاری در سنین کم سبب گسترش جرایم در جامعه چه به صورت خشونت و چه به صورت غیرخشونت می‌شود.

1. Baldry

2. Berine

3. Henry

4. Tallichet & Hensley

تامپسون و گالون^۱ (۲۰۰۶) پژوهشی با هدف کشف ارتباط بین شاهد حیوان‌آزاری بودن و نوع رفتار با حیوانات در بزرگسالی در بین ۲۸۱ نوجوان ۱۲ تا ۱۸ انجام دادند. براساس یافته‌ها پژوهش آن‌ها، میزان ارتباط بین شاهد حیوان‌آزاری بودن و انجام دادن این عمل در بزرگسالی از کمترین به بیشترین بدین‌گونه است: ۱- افرادی که شاهد حیوان‌آزاری توسط غریبه‌ها بودند، ۲- افرادی که شاهد حیوان‌آزاری نبودند و ۳- افرادی که شاهد حیوان‌آزاری توسط اعضای خانواده، دوستان و نزدیکان خود بودند.

تالیشت و هانسلی (۲۰۰۷) پژوهشی در زمینه گزارش‌های دوران کودکی و نوجوانی زندانیان از تجربه حیوان‌آزاری از طریق مصاحبه با ۲۶۱ زندانی انجام دادند. یافته‌ها نشان داد از میان انگیزه‌های حیوان‌آزاری (خشم، سرگرمی، نداشتن علاقه به حیوان و تقلید از رفتار حیوان‌آزاری) تقریباً نیمی از افراد به دلیل خشم و بیش از یک‌سوم از آن‌ها به دلیل سرگرمی به کنش حیوان‌آزاری مبادرت می‌ورزیدند. تالیشت و هانسلی بیان کردند که جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و قانون‌گذاران باید به حیوان‌آزاری به‌عنوان یک نشانه جدی بروز خشونت و جرایم ناشی از خشونت در بزرگسالی، توجه کنند.

اسیون^۲ و شاپیرو^۳ (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان «مردم و حیوانات، عطوفت و آزار» انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که حیوان‌آزاری و ارتباط آن با دیگر شکل‌های خشونت به کودکان، شریک زندگی و افراد جامعه نیاز به سیاست‌گذاری‌های جدی برای جلوگیری از این کنش را تبیین می‌کند. راهکارهایی همچون آموزش و دسترسی به افراد در معرض خطر می‌تواند از جمله این سیاست‌گذاری‌ها باشد.

نیوبری^۴ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «حیوانات خانگی در معرض خطر: بررسی ارتباط بین خشونت خانگی و حیوان‌آزاری» انجام داد. وی برای غلبه بر محدودیت‌های اخلاقی پژوهش‌های گذشته در فاش‌نشدن هویت مشارکت‌کنندگان در پژوهش، از انجمن‌های آنلاینی استفاده کرد که افراد به‌صورت دلخواه تجربیات خود را در آن به اشتراک می‌گذاشتند و با تحلیل ۷۴ تجربه، فرضیه ارتباط بین خشونت خانگی و حیوان‌آزاری تأیید شد.

سرباز و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با هدف بررسی تأثیر آموزش محیط‌زیست بر بهبود نگرش دانش‌آموزان ابتدایی درباره حقوق حیوانات انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند

1 Thompson & Gullone

2 Ascione

3 Shapiro

4 Newberry

که یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌توجهی به حیوانات و حقوق آن‌ها خلأ آموزشی در مدارس و سطح جامعه است؛ بنابراین، این امر مهم بر عهده مربیان آموزشی و پرورشی است تا از سنین کودکی آموزش و اهمیت حقوق و اخلاق محیط‌زیست را عهده‌دار باشند. براساس نتایج پژوهش آن‌ها، با استفاده از فیلم‌های آموزشی، داستان، نمایش، شعر و ... می‌توان آموزش به کودکان در این حوزه را آغاز کرد.

پژوهش‌های خارجی ذکرشده در قسمت پیشینه تحقیق، با در نظر داشتن این فرضیه که بین خشونت در بین اعضای خانواده و در سطح جامعه با سابقه حیوان‌آزاری ارتباط معنادار وجود دارد، انجام شده‌اند. در غالب این پژوهش‌ها این فرضیه تأیید شده است که افراد دارای سابقه حیوان‌آزاری در سنین بزرگسالی به انجام دادن کنش‌های نشئت‌گرفته از خشونت در سطح خانواده و جامعه روی می‌آورند. در تحقیقات گذشته با نگاهی دقیق و تحلیلی از نظریه‌هایی مشابه و یکسان استفاده شده است که این نظریه‌ها شامل تضاد، یادگیری اجتماعی، فمینیسم، اجتماعی‌شدن، کنش متقابل نمادین، منابع و نیز کنترل اجتماعی می‌شود. از رهیافت این نظریه‌ها عوامل متعدد اجتماعی سبب شده‌اند خشونت افراد در ابتدا به حیوانات، سپس به افراد خانواده و بعد از آن به جامعه سرایت پیدا کند.

جدول ۱. پیشینه تجربی پژوهش

نوع اثر	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
مقاله	حیوان‌آزاری و خشونت متقابل در بین جوانان ایتالیا (بالدری، ۲۰۰۳)	خشونت متقابل اعضای خانواده سبب می‌شود این خشونت به کودکان نیز منتقل شود و آن‌ها تخلیه خشم خود را در کودکی به صورت حیوان‌آزاری و در بزرگسالی به دیگر افراد جامعه نشان دهند.
مقاله	ارتباط بین حیوان‌آزاری، خشونت و نگرش به درمان حیوانات (هنری، ۲۰۰۴)	افرادی که مشاهده‌کننده حیوان‌آزاری بوده‌اند نسبت به مشارکت‌کنندگان در این امر به رعایت حقوق حیوانات توجه بیشتری نشان می‌دهند و در نهایت، احتمال ایجاد رفتارهای ضداجتماعی دیگر در افراد حیوان‌آزار بیشتر است.
مقاله	کشف ارتباط بین حیوان‌آزاری در کودکی و نوجوانی و جرایم ناشی از خشونت در بزرگسالی (تالیشت و هانسلی، ۲۰۰۴)	ارتباط بین حیوان‌آزاری در سنین کودکی و ارتکاب جرم در بزرگسالی تأیید شد.
مقاله	پژوهشی در حوزه کشف ارتباط بین شاهد حیوان‌آزاری بودن و نوع رفتار با	افرادی که شاهد کنش حیوان‌آزاری توسط نزدیکان و دوستان خود هستند، احتمال بیشتری است که در

نوع اثر	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
	حیوانات در بزرگسالی (تامپسون و گالون، ۲۰۰۶)	بزرگسالی حیوان آزاری انجام دهند.
مقاله	گزارش‌های دوران کودکی و نوجوانی زندانیان از تجربه حیوان آزاری (هنسلی و تالیشت، ۲۰۰۷)	جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و قانون‌گذاران باید به پدیده حیوان آزاری به‌عنوان یک نشانه جدی بروز خشونت و جرایم ناشی از خشونت در بزرگسالی، توجه کنند.
مقاله	مردم و حیوانات، عطف و آزار (اسیون و شاپیرو، ۲۰۰۹)	حیوان آزاری و ارتباط مستقیم آن با دیگر شکل‌های خشونت به کودکان، شریک زندگی و افراد جامعه نیاز به سیاست‌گذاری‌های جدی برای جلوگیری از انجام شدن این امر را تبیین می‌کند.
مقاله	حیوانات خانگی در معرض خطر: بررسی ارتباط بین خشونت خانگی و حیوان آزاری (نیوبری، ۲۰۱۶)	بین حیوان آزاری و خشونت خانگی علیه دیگر اعضای خانواده رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
مقاله	از حیوان آزاری تا خشونت بین فردی (برین، ۲۰۰۴)	همسر افرادی که مورد خشونت خانگی واقع شده‌اند، سابقه حیوان آزاری یا قتل حیوان را دارا بوده‌اند و حیوان آزاری یکی از نمودهای خشونت خانگی می‌باشد.
مقاله	بررسی تأثیر آموزش محیط‌زیست بر بهبود نگرش دانش‌آموزان ابتدایی نسبت به حقوق حیوانات (سرباز و همکاران، ۱۳۹۵)	تأثیر آموزش بر بهبود نگرش دانش‌آموزان ابتدایی به حقوق حیوانات تأیید شد. یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌توجهی به حیوانات و حقوق آن‌ها وجود خلأ آموزشی در مدارس و سطح جامعه است؛ بنابراین، این موضوع مهم برعهده مربیان آموزشی و پرورشی است تا از سنین کودکی آموزش و اهمیت حقوق و اخلاق محیط‌زیست را عهده‌دار باشند.

مبانی نظری

تاکنون پژوهشی در زمینه علل بروز پدیده حیوان آزاری از رهیافت جامعه‌شناختی انجام نشده است؛ بنابراین، برای تبیین دقیق این پدیده، در پژوهش حاضر سعی بر این است که مهم‌ترین و کاربردی‌ترین نظریه‌های حوزه انحراف اجتماعی در مدل پژوهش به کار برده شود. در ادامه درباره این نظریه‌ها توضیح داده می‌شود.

یادگیری اجتماعی: طبق این نظریه، تأثیرات متقابل بین رفتار و محیط در شکل‌گیری و پرورش الگوهای رفتاری مؤثر است. به این صورت که ابتدا افراد رفتار مواجه‌شده با پاسخ مطلوب یا پاداش را از رفتاری که نتایج نامطلوبی را به بار آورده است، جدا می‌کنند و آن‌گاه الگوی توأم با موفقیت را انتخاب می‌کنند و دیگر الگوهای رفتاری را کنار می‌گذارد. آلبرت

باندورا^۱ (۱۹۸۶) به‌عنوان حامی اصلی این نظریه معتقد است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خلال فرایند الگوسازی فراگرفته می‌شود. به باور وی، فرایند الگوسازی پرخاشگری در سه گونه موقعیت اجتماعی آثار محیط خانواده، آثار خرده‌فرهنگ‌ها و الگوهای نمادین به وقوع می‌پیوندد. براساس این نظریه، فرد در صورت داشتن تجربه خشونت در خانواده و مدرسه، می‌تواند الگوهای رفتاری خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه را بیاموزد و در موقعیت‌های دیگر چنین کنش‌هایی را در قالب کنش‌های انحرافی از خود نشان دهد.

الگوی همنشینی افتراقی: طبق این نظریه، رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دیگرانی که به‌عنوان افراد نابهنجار، مجرم، هنجارشکن و منحرف اجتماعی شناخته می‌شوند و با معاشرت با دوستان ناباب و برقراری روابط اجتماعی با آن‌ها آموخته می‌شود. درواقع، اساس این دیدگاه مبتنی بر فرایند جامعه‌پذیری در خلال روابط اجتماعی است. ساترلند^۲ در کتاب معروف خود با عنوان *اصول جرم‌شناسی*، اثبات می‌کند که انحرافات و جرم و رقابت درگروه‌های نخستین همانند گروه‌های دوستان و همسالان و خانواده آموخته می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸). براساس این نظریه، همنشینی با همسالان نابهنجار می‌تواند به‌دلیل اثرگذاری بر کنش‌های فرد موجب بروز رفتارهای انحرافی و نابهنجار در افراد شود.

الگوی کنترل اجتماعی: این دیدگاه مبتنی بر پرسش اساسی و بنیادینی است مبنی بر اینکه «چرا بیشتر مردم در جامعه مرتکب جرم یا رفتار انحرافی نمی‌شوند؟» به تعبیری دیگر، این دیدگاه برخلاف سایر نظریه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی و جرم‌شناسی، از علل ارتکاب جرم و کج‌روی نمی‌پرسد؛ بلکه از علل فقدان ارتکاب جرم و کج‌روی سؤال می‌کند؛ بر همین اساس، هیرشی (هیرشی، ۱۹۶۹، به نقل از ممتاز، ۱۳۸۱) نظریه‌ای جامع در زمینه کنترل اجتماعی مطرح کرد. در این نظریه، وی اشاره می‌کند افرادی که در جامعه به گروه‌های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و همسالان، به‌شدت وابستگی دارند، احتمال کمتری وجود دارد که مرتکب قانون‌شکنی و اعمال انحرافی شوند. طبق این دیدگاه، دل‌بستگی به نهادهای اصلی و تعیین‌کننده ازجمله خانواده می‌تواند در بروز کنش‌های انحرافی و جلوگیری از بروز چنین کنش‌هایی مؤثر واقع شود.

بی‌سازمانی اجتماعی: مرتن^۳، تلقی دورکیم^۱ از نابسامانی را به‌صورت نظریه‌ای عام درباره رفتار منحرف بسط داده است. به عقیده مرتن، هنگامی که بین اهداف فرهنگی (مانند موقعیت

1 Albert bandura

2 Sutherland

3. Merton

و ثروت) و وسائل تشکیلاتی به منظور دستیابی به این اهداف (مانند تحصیلات، دوستان متنفس و ...) تناسب وجود نداشته باشد، در آن صورت افرادی که در یک ساختار اجتماعی تحت فشار قرار می‌گیرند، احتمالاً بیشتر از دیگران رفتار انحرافی خواهند داشت. مرتن رفتارهای مدنظر خود را در یک ماتریس به صورت زیر تنظیم کرده است (گیدنز^۲، ۱۳۷۸).

انواع تطبیق رفتار	اهداف فرهنگ	ابزار و راه رسیدن به هدف
هم‌شکلی	+	+
نوآوری	+	-
رعایت کردن	-	+
بی تفاوتی و عزلت	-	-
شورش	(_+)	(_+)

وی توضیح می‌دهد که احساس ناکامی به خاطر در اختیار نداشتن شیوه‌های قانونی دستیابی به هدف می‌تواند به شکل‌های نوآوری، رعایت کردن و شورش منجر شود. این نتایج تحت تأثیر شخصیت‌های خاص فرد و سابقه فرهنگی او قرار دارد. بر اساس دسته‌بندی ذکر شده، در پی احساس تبعیض اجتماعی که احساس محرومیت نسبی و احساس ناکامی را نیز با خود به همراه می‌آورد، فرد به کنش‌های انحرافی روی خواهد آورد. در این پژوهش منظور از کنش انحرافی، حیوان‌آزاری است که به نظر می‌رسد با توجه به دسته‌بندی ارائه شده در ماتریس بالا، حیوان‌آزاری به صورت نوع دوم رفتار یعنی نوآوری، در فرد بروز پیدا می‌کند.

الگوی نوجوانان بزهدکار: آلبرت کوهن^۳ کج‌روی را به پایگاه اجتماعی و تفاوت طبقات اجتماعی نسبت می‌دهد. او منشأ این‌گونه رفتارها را در دسترس ناپذیر بودن اهداف مورد قبول جامعه می‌جوید و در نهایت آن را اعتراض ناشی از نومیدی طبقات اجتماعی محروم می‌خواند که در مرحله عمل، در شکل ویرانگری، تخریب و انکار جلوه‌گر می‌شود. نیاز نوجوانان به پذیرش و تأیید دیگران موجب می‌شود تا بکوشند راه‌حل انتخابی خویش را در قالب رفتارهای گروهی دنبال کنند؛ رفتارهایی که در نهایت در قالب دار و دسته‌ها و خرده‌فرهنگ‌های کج‌رو، هویت اجتماعی خود را می‌یابند و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ کج‌رو نوعی پاسخ دسته‌جمعی به فشارهای ساختاری موجود در

1 Durkheim

2 Giddens

3 Albert Cohen

درون جامعه است (ممتاز، ۱۳۸۱). براساس این نظریه می‌توان طرد اجتماعی را عاملی مؤثر در مسئولیت‌پذیری در نظر گرفت؛ بدین‌صورت که در سطح فردی مطرودشدگان کسانی در نظر گرفته می‌شوند که در محرومیت قرار دارند یا توانایی لازم را برای مشارکت در فعالیت‌های مورد انتظار جامعه ندارند و در سطح اجتماعی، بازتاب پیوستگی و انسجام ناکافی جامعه است. براساس این دیدگاه، اگر در جامعه تبعیض‌نژادی و جنسیتی وجود داشته باشد یا معیشت مردم دچار تبعیض یا اختلال باشد، این جامعه مستعد طرد اجتماعی است و ممکن است به سمت انحراف سوق داده شود. پس از طی این مسیر، فرد احساس تعلق، اعتماد و تعهد خود را به جامعه بزرگتر از دست می‌دهد و درنهایت، به دلیل شکل‌گیری عادت‌واره‌های جدید، نحوه نگرش و تصمیم‌گیری وی تغییر می‌کند و حس مسئولیت اجتماعی‌اش که اقدامی داوطلبانه است، بسیار کاهش می‌یابد.

نظریه‌های صفات نهفته: این نظریه‌ها برخی از افراد را از ویژگی‌ها و خصایص زیستی و روانی تأثیرگذار بر تمایلات و آمادگی‌های کجروانه برخوردار می‌داند. این دیدگاه علاوه بر تأکید بر ثابت‌ماندن این ویژگی‌ها در طول دوران زندگی فرد، مدعی می‌شود که جمع‌آمدن اثرهای این متغیرها در کنار نقش‌آفرینی فرصت‌ها و نیروهای اجتماعی، افراد برخوردار از آن را با شدت بیشتری در معرض کجروی قرار می‌دهد. یکی از این نظریه‌ها که با حوزه پژوهش حاضر مرتبط است، نظریه عمومی جرم^۱ است. گاتفردسون^۲ و هیرشی^۳ این نظریه را ارائه کرده‌اند. فرض اساسی نظریه این است که فرد در اثر ضعف خویش‌داری ارتکاب جرم را برمی‌گزیند و درحقیقت، افراد فاقد ویژگی خویش‌داری در جست‌وجوی یافتن فرصت‌های کجروانه هستند. براساس این نظریه، کودکانی که مشکلات رفتاری دارند به بزهکاران نوجوان و درنهایت به بزرگسالان مجرم تبدیل می‌شوند. از آنجاکه مسیر جرم یا دورشدن از آن از اوایل زندگی شروع می‌شود، این عقیده مطرح می‌شود که سطح خودکنترلی به کیفیت تربیت توسط والد بستگی دارد. یکی از ویژگی‌های افراد دارای خودکنترلی کم، خطرپذیری و میل به تحریک، هیجان و تکانش است که ممکن است این ویژگی آن‌ها را به سوی رفتارهای انحرافی سوق دهد (ولش، ۱۳۸۹).

نظریه برچسب‌زنی: در این رویکرد، گافمن^۴ طبقه‌بندی تازه‌ای از هویت اجتماعی ارائه داد. هویت اجتماعی بالقوه^۵ یعنی آنچه یک فرد می‌تواند باشد و در هویت اجتماعی بالفعل^۱

1 General theory of rim

2 Gottfredson

3 Hirschi

4. Goffman

5. virtual social identity

اشخاص، داغ ننگ ظاهر می‌شود و آن شخص احساس می‌کند که داغی بر پیشانی‌اش خورده است و دچار سرخوردگی می‌شود (ریتزر، ۱۳۸۶: ۳۱۸). گافمن معتقد است که همواره بین این دو تصویر فاصله وجود دارد و درواقع، هویت اجتماعی بالقوه آرمان شخص محسوب می‌شود. فاصله این دو تصویر امری طبیعی است، اما اگر این فاصله بسیار باشد، فرد احساس آرامش در جامعه ندارد. گافمن گرفتارشدن در این برزخ را «داغ ننگ» می‌نامد. داغ ننگ پدیده‌ای دوسویه یا دووجهی است که از یک سو برای داغ‌زنده منافع دارد و از سوی دیگر، تبعاتی برای داغ‌خورده دارد؛ بنابراین، فرد داغ‌خورده به نشانه دفاع نسبت به موقعیت خویش واکنش‌هایی متفاوت از خود نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب داغ ننگ یک فرد منحرف خودپنداره‌ای تولید می‌کند که مشوق انحرافات بعدی وی است. فرد پس از برچسب‌خوردن دچار احساس انزوا و طرد می‌شود و انحراف را به‌عنوان هویت و بخشی از شخصیت خود می‌پذیرد. این امر وی را به سوی افراد دارای داغ ننگ مشابه سوق می‌دهد و از جامعه اصلی دور می‌کند و درنهایت، انحرافات گسترده‌تر و بیشتری به وقوع خواهد پیوست.

نظریه بیگانگی: سیمن^۲ تلاش کرده است علاوه بر ارائه تعریفی مفهومی از بیگانگی، انواع تظاهرات رفتار بیگانه‌گونه را در پنج نوع تمیزدانی نشان دهد که به نظر وی از متداول‌ترین صور کاربرد مفهومی واژه در ادبیات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. یکی از این پنج نوع، احساس بی‌قدرتی^۳ است که عبارت است از احتمال یا انتظار تصور شده از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نیست و وی را به هدفی که براساس آن کنش او مجهز شده است، هدایت نمی‌کند. در چنین وضعیتی، فرد فرصت لازم را برای خلق و تولید محصولی که او را راضی کند، ندارد و به نوعی احساس انزجار از روابط اجتماعی تولید گرفتار است (سیمن، ۱۹۵۹). وی این مفهوم را از آثار وبر^۴ اقتباس کرده است و به معنای نبود توانایی اقتصادی و محرومیت نسبی و اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر، نبود خلاقیت فردی و آزادی عمل در حیطه‌های مربوط به اوست؛ به عبارت ساده‌تر، فرد در چنین وضعیتی احساس می‌کند که در موقعیت‌های اجتماعی اثرگذار نیست یا تصور این را دارد که عمل و کنش‌ورزی او بی‌تأثیر است و نمی‌تواند نتایج مورد انتظار او را به همراه داشته باشد؛ بنابراین، این موضوع می‌تواند فرد را به سوی انجام‌دادن کنش‌های انحرافی سوق دهد.

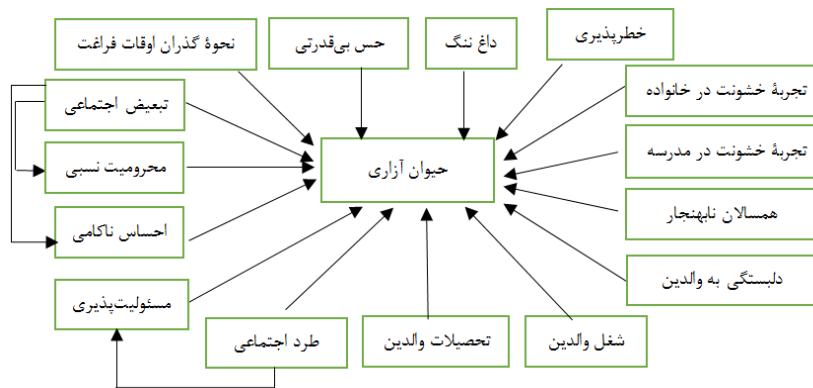
1 actual social identity

2 Seeman

3 feeling of powerlessness

4 Weber

نظریهٔ دومازیه^۱ (اوقات فراغت): به عقیدهٔ دومازیه، جامعه‌شناسی اوقات فراغت دربرگیرندهٔ مجموعه‌ای از مشغله‌هاست که فرد با کمال میل به آن‌ها می‌پردازد؛ خواه به‌منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع، خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن یا برای مشارکت اجتماعی آزاد بعد از فراغت از الزامات حرفه‌ای، خانوادگی و اجتماعی (جلالی فراهانی، ۱۳۸۷). دومازیه سه کارکرد مهم برای فعالیت‌های فراغتی قائل است: استراحت که نقش آن رفع خستگی، جبران فشارهای روحی و جسمی ناشی از هیجان‌های مداوم کار و انجام‌دادن وظایف گوناگون است؛ تفریح که نقش آن رهانیدن انسان از کسالت ناشی از یکنواختی انجام‌دادن وظایف در محل کار و خانه است؛ رشد شخصیت که از طریق افزایش معلومات و اطلاعات و افزایش مشارکت اجتماعی افراد حاصل می‌شود؛ بنابراین، فراغت فرصت پرورش استعدادهای بدنی و ذهنی را برای فرد فراهم می‌کند (ترکاشوند، ۱۳۸۶). با توجه به این نظریه، یکی از اهداف گذران اوقات فراغت، تفریح است؛ بنابراین، وجود یا نبود امکانات رفاهی و تفریحی در دسترس اقشار گوناگون جامعه می‌تواند در جهت‌گیری نوع گذران اوقات فراغت اعم از سالم و ناسالم نیز اثرگذار باشد. یکی از ابعاد گذران اوقات فراغت ناسالم، بروز کنش‌های انحرافی است.



شکل ۲- مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی

روش استفاده‌شده در این تحقیق، علی-مقایسه‌ای^۲ است. با توجه به این روش که پس‌رویدادی است، پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. در این نوع

1 Dumazédier

2 causal-comparative

از تحقیقات سعی بر این است که از معلول به علت برسیم. در تحقیقات علی-مقایسه‌ای امکان اعمال کنترل‌های موجود در پژوهش‌های آزمایشی وجود ندارد؛ به همین دلیل می‌توان از این شیوه‌ها به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده استفاده کرد: الف- هم‌سازی، ب- استفاده از تحلیل کوواریانس، ج- ایجاد گروه‌های همگن و د- استفاده از متغیرهای مزاحم. در این پژوهش روش استفاده‌شده ایجاد گروه‌های همگن است که دو گروه مدنظر در این مطالعه یعنی گروه حیوان‌آزار و گروه غیرحیوان‌آزار، از نظر جنسیت و طبقه اجتماعی-اقتصادی به یک گروه اجتماعی هم‌متعلق‌اند و از بین دانش‌آموزان یک دبستان پسرانه واقع در یک محله حاشیه‌نشین انتخاب شده‌اند.

جامعه آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان پسر^۱ مقطع ابتدایی^۲ دبستان بعثت واقع در منطقه حاشیه‌نشین نجف در شهر مشهد بودند. از بین ۱۴۷ دانش‌آموز ۵ پایه تحصیلی، با تحلیل ۱۴۷ پرسش‌نامه پاسخ‌باز، افراد حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار از یکدیگر تفکیک شدند؛ بدین‌صورت که افراد دارای بیشترین و کمترین نمره در دو گروه حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار جای گرفتند و دیگر نمونه‌ها از پژوهش کنار گذاشته شدند. درنهایت، تعداد افراد حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار به ۷۳ نفر رسید. در مرحله بعد، برای دستیابی به بررسی علل بروز پدیده حیوان‌آزاری از طریق ۷۳ نفر (حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار)، داده‌های پژوهش جمع‌آوری شدند. در این مطالعه از تکنیک پرس‌وجو در قالب پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. مناسب‌ترین شیوه برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش استفاده از تکنیک‌های آماری است؛ بدین‌صورت که بعد از ورود اطلاعات به‌صورت کدهای تعریف‌شده در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ انواع آماره‌های موردنیاز محاسبه شد که تأکید هم بر آمار توصیفی و هم بر آمار استنباطی بود. درخصوص روابط بین متغیرها با توجه به سطح سنجش آن‌ها از آزمون یو مان-ویتنی^۳ استفاده شد. در ادامه گزارش تفصیلی یافته‌های تحقیق با روش علی-مقایسه‌ای ارائه می‌شود.

۱ جنسیت نیز نقش مهمی در بروز پدیده حیوان‌آزاری دارد. با توجه به پژوهش‌ها و مستندات، مردان چهار برابر زنان این کنش را انجام می‌دهند.

۲ با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده، میانگین سنی افراد حیوان‌آزار زیر ۳۰ سال است و شروع این کنش به دوران کودکی (۶ تا ۷ سال) بازمی‌گردد که در سنین بیشتر می‌تواند به جرایم ناشی از خشونت یا غیرخشونت تبدیل شود و درنهایت موجب کاهش امنیت و سلامت جامعه شود.

3 Mann-Whitney U

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

از آنجاکه درباره پدیده حیوان‌آزاری هیچ‌گونه آمار رسمی و دقیقی وجود ندارد، برای تشخیص دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار، ۹ سؤال پاسخ‌باز توسط پژوهشگر با راهنمایی اساتید متخصص و خبره طراحی شد. از بیم ۹ سوال، ۴ سؤال به صورت مستقیم انجام‌دادن چنین کنشی در فرد را تبیین می‌کردند. در مرحله اول، ۹ سؤال توسط پژوهشگر به صورت مصاحبه از ۱۴۷ دانش‌آموز در ۵ پایه تحصیلی پرسیده شد و پس از آن، ۴ سؤال با توجه به پاسخ‌های دانش‌آموزان نمره‌گذاری شدند و در نهایت، ۳۵ دانش‌آموز حیوان‌آزار و ۳۸ دانش‌آموز غیرحیوان‌آزار تشخیص داده شدند.

جدول ۲- توصیف نمونه بر حسب سن، تحصیلات پدر و مادر در کل نمونه تحقیق

شاخص	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
سن	۷	۱۲	۹/۲۲	۱/۵۸
تحصیلات پدر	۰	۱۴	۶/۳۲	۳/۸۶
تحصیلات مادر	۰	۱۶	۵/۲۲	۴/۰۸

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که میانگین سن در کل نمونه تحقیق ۹/۲۲ با انحراف معیار ۱/۵۸ است. میانگین و انحراف معیار سال‌های اشتغال به تحصیل پدران نیز به ترتیب ۶/۳۲ و ۳/۸۶ است. این شاخص‌ها برای سال‌های اشتغال به تحصیل مادران به ترتیب ۵/۲۲ و ۴/۰۸ می‌باشد.

جدول ۳- توزیع سنی دانش‌آموزان به تفکیک گروه حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار

طبقه سنی	حیوان‌آزار		غیرحیوان‌آزار	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۷ سال	۴	۱۱/۴	۹	۲۳/۷
۸ سال	۸	۲۲/۹	۹	۲۳/۷
۹ سال	۵	۱۴/۳	۳	۷/۹
۱۰ سال	۶	۱۷/۱	۹	۲۳/۷
۱۱ سال	۹	۲۵/۷	۷	۱۸/۴
۱۲ سال	۳	۸/۶	۱	۲/۶

جدول (۳) نشان می‌دهد که در گروه حیوان‌آزار به ترتیب ۱۱/۴ درصد، ۲۲/۹ درصد، ۱۴/۳ درصد، ۱۷/۱ درصد، ۲۵/۷ درصد و ۸/۶ درصد از دانش‌آموزان در سنین ۷ تا ۱۲ سال قرار

داشته‌اند. این نسبت‌ها برای سنین ۷ تا ۱۲ سال در گروه دانش‌آموزان غیرحیوان‌آزار، به ترتیب ۲۳/۷ درصد، ۲۳/۷ درصد، ۷/۹ درصد، ۲۳/۷ درصد، ۱۸/۴ درصد و ۲/۶ درصد است.

جدول ۴- توصیف نمونه بر حسب شغل پدر و مادر

شاخص	گروه	فراوانی	درصد
وضعیت اشتغال پدران	آزاد	۲۶	۳۶/۶
	کارمند	۴	۵/۶
	کارگر	۳۶	۵۰/۷
	بیکار	۵	۷/۰
	کل*	۶۸	۱۰۰
وضعیت اشتغال مادران	خانه دار	۶۱	۸۳/۶
	آزاد	۷	۹/۶
	کارمند	۵	۶/۸
	کل	۷۳	۱۰۰

* پدر دو نفر از دانش‌آموزان (۲/۷ درصد از افراد) در قید حیات نبودند.

جدول (۴) نشان می‌دهد که ۵۰/۷ درصد از پدران دانش‌آموزان کارگر، ۷ درصد بیکار، ۳۶/۶ درصد شاغل در مشاغل آزاد و ۵/۶ درصد کارمند بودند. همچنین، ۸۳/۶ درصد از مادران خانه‌دار، ۹/۶ درصد شاغل در مشاغل آزاد و ۶/۸ درصد کارمند بودند.

نتایج پژوهش نشان داد که در تحصیلات پدر و مادر، تبعیض اجتماعی، تجربه خشونت در مدرسه، خطرپذیری، احساس داغ ننگ، طرد اجتماعی و همسالان ناپه‌نچار، دانش‌آموزان غیرحیوان‌آزار میانگین نمرات بیشتری در مقایسه با گروه حیوان‌آزار داشتند. در سایر متغیرها یعنی احساس بی‌قدرتی، احساس ناکامی، تجربه خشونت خانگی، دلبستگی به والدین، مسئولیت‌پذیری، نحوه گذران اوقات فراغت و محرومیت نسبی، دانش‌آموزان حیوان‌آزار میانگین نمرات بیشتری داشتند.

یافته‌های تحلیلی

در این پژوهش برای مقایسه دوگروه با توجه به وجود دو گروه مستقل می‌باید از آزمون‌های خی‌دو نمونه‌ای و t مستقل استفاده شود. برای استفاده از آزمون پارامتریک t مستقل، علاوه بر

فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیرها، بهنجار بودن توزیع متغیرها و همگنی واریانس‌ها بررسی شد.

در مجموع، براساس نتایج مفروضات آزمون آماری t ، به نظر می‌رسد شرایط استفاده از آزمون پارامتری t مستقل وجود ندارد؛ بر این اساس، از آزمون یو-مان-ویتنی برای پاسخ‌گویی به فرضیه‌های پژوهش دارای متغیر وابسته با مقیاس فاصله‌ای استفاده شد.

جدول ۵- نتایج آزمون یو مان-ویتنی

مقدار معناداری	آماره Z	آماره U	میانگین رتبه‌ها	گروه	متغیرها
۰/۰۰۳	-۲/۹۹	۳۹۵/۵۰	۲۹/۳۰	حیوان آزار	تحصیلات پدر
			۴۴/۰۹	غیر حیوان آزار	
۰/۰۲	-۲/۴۳	۴۴۸/۰۰	۳۰/۸۰	حیوان آزار	تحصیلات مادر
			۴۲/۷۱	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۰۱	-۳/۷۳	۳۳۷/۵۰	۴۶/۳۶	حیوان آزار	حس بی‌قدرتی
			۲۸/۳۸	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۰۱	-۵/۲۶	۲۰۴/۰۰	۵۰/۱۷	حیوان آزار	احساس ناکامی
			۲۴/۸۷	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۰۱	-۴/۳۳	۳۰۳/۵۰	۲۶/۶۷	حیوان آزار	احساس تبعیض اجتماعی
			۴۶/۵۱	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۰۱	-۴/۱۴	۲۹۹/۵۰	۴۷/۴۴	حیوان آزار	تجربه خشونت خانگی
			۲۷/۳۸	غیر حیوان آزار	
۰/۸۴	-۰/۲۱	۶۴۷/۵۰	۳۶/۵۰	حیوان آزار	تجربه خشونت در مدرسه
			۳۷/۴۶	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۰۱	-۴/۳۹	۳۲۰/۵۰	۲۷/۱۶	حیوان آزار	خطرپذیری
			۴۶/۰۷	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۸	-۲/۶۵	۴۴۳/۵۰	۳۰/۶۷	حیوان آزار	احساس داغ ننگ
			۴۲/۸۳	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۰۱	-۴/۱۶	۳۰۸/۵۰	۴۷/۱۹	حیوان آزار	دلبستگی به والدین
			۲۷/۶۲	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۱	-۳/۲۷	۳۸۳/۵۰	۲۸/۹۶	حیوان آزار	طرد اجتماعی
			۴۴/۴۱	غیر حیوان آزار	
۰/۰۰۰۱	-۶/۱۸	۱۵۲/۵۰	۵۱/۶۴	حیوان آزار	مسئولیت‌پذیری

متغیرها	گروه	میانگین رتبه‌ها	آماره U	آماره Z	مقدار معناداری
	غیر حیوان آزار	۲۳/۵۱			
نحوه گذران اوقات فراغت	حیوان آزار	۴۶/۵۷	۳۳۰/۰۰	-۴/۲۹	۰/۰۰۰۱
	غیر حیوان آزار	۲۸/۱۸			
محرومیت نسبی	حیوان آزار	۵۰/۱۶	۲۰۴/۵۰	-۵/۴۰	۰/۰۰۰۱
	غیر حیوان آزار	۲۴/۸۸			
همسالان نابهنجار	حیوان آزار	۲۷/۷۱	۳۴۰/۰۰	-۳/۹۷	۰/۰۰۰۱
	غیر حیوان آزار	۴۵/۵۵			

نتایج درج شده در قسمت اول جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان آزار و غیر حیوان آزار در تحصیلات پدر ($U = ۳۹۵/۵۰, P \leq ۰/۰۱$) و تحصیلات مادر ($U = ۴۴۸/۰۰, P \leq ۰/۰۱$) تفاوت معنادار وجود دارد؛ بر این اساس، فرضیه اول پژوهش حاضر تأیید می‌شود؛ یعنی دو گروه حیوان آزار و غیر حیوان آزار از نظر تحصیلات پدر و مادر با هم تفاوت دارند.

نتایج درج شده در قسمت دوم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان آزار و غیر حیوان آزار در متغیر حس بی‌قدرتی تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq ۰/۰۱$)، ($U = ۳۳۷/۵۰$)؛ بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان آزار در مقایسه با گروه غیر حیوان آزار، بیشتر احساس بی‌قدرتی می‌کنند.

نتایج درج شده در قسمت سوم جدول (۵) نشان می‌دهد که میان دو گروه دانش‌آموزان حیوان آزار و غیر حیوان آزار در متغیر احساس ناکامی تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq ۰/۰۱$)، ($U = ۲۰۴/۰۰$)؛ بر این اساس، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان آزار در مقایسه با گروه غیر حیوان آزار، بیشتر احساس ناکامی می‌کنند.

نتایج درج شده در قسمت چهارم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان آزار و غیر حیوان آزار در متغیر احساس تبعیض اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq ۰/۰۱$)، ($U = ۳۰۳/۵۰$)؛ بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجاکه نمرات بیشتر در این متغیر به معنای احساس تبعیض کمتر است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان آزار نسبت به گروه غیر حیوان آزار، بیشتر احساس تبعیض اجتماعی می‌کنند.

نتایج درج شده در قسمت پنجم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان آزار و غیر حیوان آزار در متغیر احساس تجربه خوشونت خانگی تفاوت معنادار وجود دارد

($U = 299/50$, $P \leq 0/01$)؛ بر این اساس، فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌شود. چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار در مقایسه با گروه غیرحیوان‌آزار تجربه خشونت خانگی بیشتری داشته‌اند.

نتایج درج‌شده در قسمت ششم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در متغیر احساس تجربه خشونت در مدرسه تفاوت معنادار وجود ندارد ($U = 647/50$, $P > 0/05$)؛ بنابراین، فرضیه ششم پژوهش رد می‌شود؛ یعنی دو گروه حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار از نظر تجربه خشونت در مدرسه باهم تفاوت معنادار ندارند.

نتایج درج‌شده در قسمت هفتم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در متغیر خطرپذیری تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq 0/01$)، بر این اساس، فرضیه هفتم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجا که نمرات بیشتر در این متغیر به معنای خطرپذیری کمتر است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار در مقایسه با گروه غیرحیوان‌آزار خطرپذیری بیشتری دارند.

نتایج درج‌شده در قسمت هشتم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در متغیر احساس داغ ننگ تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq 0/01$)، بر این اساس، فرضیه هشتم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجا که نمرات بیشتر در این متغیر به معنای احساس داغ ننگ کمتر است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار نسبت به گروه غیرحیوان‌آزار، بیشتر احساس داغ ننگ می‌کنند.

نتایج درج‌شده در قسمت نهم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در متغیر دل‌بستگی به والدین تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq 0/01$)، بر این اساس، فرضیه نهم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجا که نمرات بیشتر در این متغیر به معنای دل‌بستگی کمتر به والدین است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار در مقایسه با گروه غیرحیوان‌آزار دل‌بستگی کمتری به والدین خود دارند.

نتایج درج‌شده در قسمت دهم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در متغیر طرد اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq 0/01$)، بر این اساس، فرضیه دهم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجا که نمره بیشتر در این متغیر به معنای طرد اجتماعی کمتر است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار نسبت به گروه غیرحیوان‌آزار، بیشتر احساس طرد اجتماعی دارند.

نتایج درج شده در قسمت یازدهم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در متغیر مسئولیت‌پذیری تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq 0/01$)، $U = 152/50$ ؛ بر این اساس، فرضیهٔ یازدهم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجاکه نمرات بیشتر در این متغیر به معنای مسئولیت‌پذیری کمتر است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار نسبت به گروه غیرحیوان‌آزار مسئولیت‌پذیری کمتری دارند.

نتایج درج شده در قسمت دوازدهم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در متغیر نحوهٔ گذران اوقات فراغت تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq 0/01$)، $U = 330/00$ ؛ بنابراین، فرضیهٔ دوازدهم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجاکه نمرات بیشتر در این متغیر به معنای نحوهٔ گذران اوقات فراغت ناسالم‌تر است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار نسبت به گروه غیرحیوان‌آزار نحوهٔ گذران اوقات فراغت ناسالم‌تری دارند. نتایج درج شده در قسمت سیزدهم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در متغیر محرومیت نسبی تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq 0/01$)، $U = 204/50$ ؛ بر این اساس، فرضیهٔ سیزدهم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجاکه نمرات بیشتر در این متغیر به معنای محرومیت نسبی بیشتر است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار در مقایسه با گروه غیرحیوان‌آزار محرومیت نسبی بیشتری دارند.

نتایج درج شده در قسمت چهاردهم جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار در همسالان نابهنجار تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq 0/01$)، $U = 340/00$ ؛ بنابراین، فرضیهٔ چهاردهم پژوهش تأیید می‌شود. از آنجاکه نمرات بیشتر در این متغیر به معنای داشتن همسالان نابهنجار کمتر است، چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان حیوان‌آزار نسبت به گروه غیرحیوان‌آزار، بیشتر همسالان نابهنجار دارند.

درخصوص شغل پدر فراوانی دو خانه برابر با صفر است. دربارهٔ شغل مادر نیز فراوانی یک خانه برابر با صفر و فراوانی دو خانه کمتر از ۵ است؛ بر این اساس، خانه‌ها باهم تلفیق شد؛ به این صورت که دانش‌آموزان براساس شغل پدر به دو گروه پدران کارمند و غیرکارمند و براساس شغل مادر به دو گروه مادران خانه‌دار و شاغل تجمیع شدند. در ادامه از آزمون دقیق فیشر برای بررسی تفاوت‌های بین‌گروهی استفاده شد.

جدول ۶- نتایج آزمون دقیق فیشر برای بررسی تفاوت‌های بین گروهی در شغل پدر و مادر

شاخص	گروه	حیوان‌آزار		غیرحیوان‌آزار		آزمون دقیق فیشر (df = ۱)	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	χ^2	مقدار معناداری
شغل پدر	کارمند	۰	۰	۴	۱۰/۸	۳/۹۰	۰/۰۷
	غیرکارمند	۳۴	۱۰۰	۳۳	۸۹/۲		
شغل مادر	خانه‌دار	۳۲	۹۱/۴	۲۹	۷۶/۳	۳/۰۳	۰/۰۸

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که برحسب شغل پدر ($\chi^2 = ۳/۹۰, P > ۰/۰۵$) و شغل مادر ($\chi^2 = ۳/۰۳, P > ۰/۰۵$) در دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار تفاوت معنادار وجود ندارد؛ بر این اساس، فرضیهٔ پانزدهم پژوهش رد می‌شود؛ یعنی دو گروه دانش‌آموزان حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار از نظر شغل پدر و مادر باهم تفاوت نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی علل جامعه‌شناختی مؤثر در پدیدهٔ حیوان‌آزاری انجام شد. کنش حیوان‌آزاری با پشتوانهٔ نظری حوزهٔ انحرافات اجتماعی در کنش‌های انحرافی جای می‌گیرد و به دلیل تأثیرگذاری بر روابط انسانی و سلامت جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مطالعه پس از تعیین مسئله و با استفاده از نظریه‌های متفاوت در حوزهٔ انحرافات اجتماعی، متغیرهای پیش‌بین برای بررسی علل بروز پدیدهٔ حیوان‌آزاری تعیین شد و مدل نظری ارائه گردید. طبق این مدل پانزده فرضیه استخراج شد. پس از تفکیک دو گروه حیوان‌آزار و غیرحیوان‌آزار از بین ۱۴۷ دانش‌آموز پنج پایهٔ تحصیلی و جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامهٔ محقق ساخته، به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد. طبق نتایج توصیفی این پژوهش، در متغیرهای تحصیلات پدر و مادر، تبعیض اجتماعی، تجربهٔ خشونت در مدرسه، خطرپذیری، احساس داغ ننگ، طرد اجتماعی و همسالان نابهنجار، دانش‌آموزان غیرحیوان‌آزار میانگین نمرات بیشتری در مقایسه با گروه حیوان‌آزار داشتند. در سایر متغیرها یعنی احساس بی‌قدرتی، احساس ناکامی، تجربهٔ خشونت خانگی، دلبستگی به والدین، مسئولیت‌پذیری، نحوهٔ گذران اوقات فراغت و محرومیت نسبی نیز دانش‌آموزان حیوان‌آزار میانگین نمرات بیشتری داشتند. به‌طورکلی، بین دو گروه در تمامی متغیرها به‌جز تجربهٔ خشونت در مدرسه و شغل پدر و مادر تفاوت معنادار نداشتند؛ بر این اساس، می‌توان حس بی‌قدرتی، احساس ناکامی، احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض اجتماعی، تجربهٔ

خشونت خانگی، همسالان نابهنجار، مسئولیت‌پذیری، خطرپذیری، احساس داغ ننگ، نحوه گذران اوقات فراغت، تحصیلات والدین و طرد اجتماعی را از عوامل مؤثر در بروز پدیده حیوان‌آزاری دانست.

طبق نتایج این پژوهش، هرچه دلبستگی و نوع ارتباط با عوامل اجتماعی‌کننده که خانواده در رأس آن قرار دارد کمتر باشد، احتمال حیوان‌آزاری افزایش می‌یابد. این یافته بر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی مبنی بر تأثیر پیوندهای فرد با نهادهای مؤثر در بروز کنش‌های انحرافی منطبق است. در زمینه تأثیر مثبت تجربه خشونت خانگی بر بروز کنش‌های خشونت‌آمیز و رفتارهای انحرافی توسط فرد، نتایج این پژوهش بر نظریه یادگیری باندورا منطبق است؛ به این صورت که کودکان از طریق مشاهده و تجربه کردن الگوهای رفتاری افراد آن الگوها را می‌آموزند و خود مدل رفتاری جدید را پیاده‌سازی می‌کنند. نتایج این پژوهش در زمینه مؤثر بودن همسالان نابهنجار در بروز کنش‌های انحرافی بر نظریه پیوند افتراقی ساترلند منطبق است؛ براساس نظریه وی، در جریان رشد، فرد درست‌رفتاری، کج‌رفتاری و انگیزه عمل به رفتار را به‌ویژه از گروه‌های نخستین و خانواده می‌آموزد. نتایج پژوهش در زمینه مؤثر واقع شدن احساس تبعیض اجتماعی بیشتر، محرومیت نسبی بیشتر و احساس ناکامی بیشتر بر بروز کنش‌های انحرافی بر نظریه فشار مرتن و نظریه بی‌سازمانی اجتماعی کوهن مبنی بر اینکه در طی این مسیر احتمال بروز چنین رفتارهایی در فرد افزایش می‌یابد، منطبق است. تأثیر خطرپذیری بر بروز کنش انحرافی مؤید نظریه عمومی جرم گاتفردسون و هیرشی است؛ یعنی در فردی با خطرپذیری بیشتر احتمال بروز رفتارهای انحرافی افزایش می‌یابد.

شایان ذکر است که تاکنون در هیچ پژوهشی از رهیافت جامعه‌شناختی به بررسی علل پدیده حیوان‌آزاری پرداخته نشده است و فقط به خلأهای قانونی و اهمیت حضور موجودات دیگر و تکریم آن‌ها بسنده شده است. با توجه به قرارگرفتن این پدیده در ذیل کنش‌های انحرافی، پژوهش اسنادی گلچین (۱۳۸۴) با نتایج این پژوهش در زمینه اثرگذاری این عوامل اجتماعی بر پدیده حیوان‌آزاری همخوانی دارد. همخوانی پژوهش وی با پژوهش حاضر، از حیث اثرگذار بودن متغیرهای دوستان نابهنجار، نحوه ارتباط با والدین و طبقه اقتصادی-اجتماعی قشر حاشیه‌نشین است که به واسطه سبک زندگی و شرایط زیست‌محیطی دچار احساس محرومیت نسبی، ناکامی، طرد اجتماعی، تبعیض اجتماعی، نحوه گذران اوقات فراغت به شکل نامطلوب‌تر و احساس داغ ننگ هستند که این عوامل در بروز کنش‌های انحرافی

مؤثرند. درنهایت، نبود توجه کافی به چنین کنش‌های انحرافی در سطح جامعه و همچنین در دسترس نبودن آمار رسمی و دقیق حیوان‌آزاری ما را از بخش بزرگی از جامعه که در آینده می‌تواند سلامت و پویایی اجتماع را با خطر مواجه کند، غافل می‌کند.

بر اساس نتایج پژوهش، نیاز ضروری به تغییر الگوهای رفتاری خشونت‌آمیز در کودکان از طریق آموزش احساس می‌شود. در صورت بی‌توجهی به چنین رفتارهای انحرافی در سنین کودکی، بر اساس مطالعات و مستندات شاهد افزایش جرایم ناشی از خشونت و جامعه‌ای با سلامت کمتر خواهیم بود؛ بنابراین، یکی از راهکارها، ارتقای فرهنگ زیست‌محیطی و به تبع آن اخلاق زیست‌محیطی در افراد یک جامعه است که می‌تواند بر کاهش کنش‌های انحرافی، پرخاشگری و خشونت مؤثر واقع شود. به دلیل حساسیت دوران کودکی و اهمیت آغاز کنش‌های ناشی از خشونت در این سن که به بروز رفتارهای آسیب‌زاتر و سرایت این کنش‌های انحرافی به عموم جامعه منجر می‌شود، آموزش و تغییر دادن الگوهای رفتاری در این سنین می‌تواند ما را به سوی جامعه‌ای پویاتر و سالم‌تر سوق دهد. این مطلب با نتایج پژوهش توکلیان (۱۳۹۳) مبنی بر نقش مثبت آموزش محیط‌زیست در کاهش پرخاشگری کودکان دبستانی و پژوهش ستاری‌راد و الله‌دودی (۱۳۹۶) مبنی بر اینکه فرهنگ زیست‌محیطی نوعی رفتار و روش زندگی است که نه تنها طبیعت و منابع آن را راهی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌داند، بلکه آن را لازمه رسیدن به آن دو و همچنین ضرورتی برای حفظ بقای انسان به شمار می‌آورد، همسوس است؛ بدین ترتیب، بدون وجود آگاهی در حوزه فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی نمی‌توان سلامت جامعه را تضمین کرد؛ بنابراین، با استفاده از راهکارهای آموزشی و ایجاد باورهای زیست‌محیطی در فرهنگ جوامع و درنهایت آموزش‌های حوزه اخلاق زیست‌محیطی می‌توان به فرهنگی مناسب در راستای حفاظت و صیانت از محیط‌زیست و به تبع آن شهروندانی مسئولیت‌پذیر دست یافت که در نتیجه این امر منافع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی حفظ می‌شود و بقای نسل آینده تضمین خواهد شد.

منابع

- ازدري، افسون (۱۳۸۲). «توسعه فرهنگی و محیط‌زیست». *فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط‌زیست*، شماره ۳۹.
- اسلامزاده، وحید (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست*، تهران: سازمان سبز حزب اسلامی کار.
- افلاکی، اسدالله (۱۳۸۶). «فرهنگ و محیط زیست». *روزنامه همشهری*.
- ترکاشوند، علی (۱۳۸۶). «اسرار تاریخی اوقات فراغت». *روزنامه ایران*. ۳۶۸۰، ۱۶/۰۴/۱۳۸۶.
- توکلیان، فائقه (۱۳۹۳). بررسی نقش آموزش محیط‌زیست در کاهش پرخاشگری کودکان دبستانی شهر دامغان. دانشگاه پیام نور: واحد شهر ری.
- جلالی فراهانی، مجید (۱۳۸۷). *مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، پروانه (۱۳۸۹). «نگاهی به حقوق حیوانات در اخلاق محیط‌زیست اسلام از منظر نهج البلاغه». *نشریه معرفت اخلاقی*، سال اول، شماره ۳، صص. ۱۴۵-۱۵۸.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: انتشارات سروش.
- ریترز، جورج (۱۳۸۶). *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نابیی. تهران: نشر نی.
- ستاری‌راد، امیر و الله‌وردی، شقایق (۱۳۹۶). «فرهنگ زیست‌محیطی: راهکاری در جهت دستیابی به توسعه پایدار». *ماهنامه ندای قلم*.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: انتشارات آوای نور.
- سرباز، سیمرا، ستوده، احد و رحیمی، مهدی (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر آموزش محیط‌زیست بر بهبود نگرش دانش‌آموزان ابتدایی نسبت به حقوق حیوانات». *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، دوره ۵، شماره ۲، صص. ۲۵-۳۳.
- سینگر، پیتر. (۱۳۹۶). *آزادی حیوانات*، ترجمه بهنام خداپناه. تهران: انتشارات ققنوس.
- گلچین، مسعود (۱۳۸۴). «انحراف اجتماعی جوانان: علل، پیامدها و راهکارها». *نشریه مددکاری اجتماعی*، دوره پنجم، شماره ۳، صص. ۵۸-۷۵.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ولش، کلی (۱۳۸۹). «درآمدی بر دو نظریه تراویس هیرشی»، ترجمه بهروز جوانمرد. *نشریه تعالی حقوق*.

- Baldry, A. C. (2003). "Animal abuse and exposure to interparental violence in Italian youth". *Journal of Interprsonal*, 18(3), 258-281.
- Banduran, A. (1986). *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Englewood Cliffs, Nj: Prenticehall.
- Beirne, P. (2004). "From animal abuse to interhuman violence? A critical review of the progression thesis". *Society & Animals*, 12(1), 39-65.
- Henry, B. C. (2004). "The relationship between animal cruelty, elinquency, and attitudes toward the treatment of animals". *Society & Animals*, 12(3), 185-207
- Newberry, M. (2016). Pets in danger: Exploring the link between domestic violence and animal abuse. *Aggression and Violent Behavior*, 34, 273-281.
- Seeman, M. (1959). "On the meaning of alienation". *American Sociological Review*, 24, 783-791.
- Tallichet, C. H. (2007). "The effect of inmates' self-reported childhood and adolescent animal cruelty: Motivations on the number of convictions for adult violent interpersonal crimes". *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 52(2), 175-184.
- Tallichet, S. E., & Hansley, Ch. (2004). "Exploring the link between recurrent acts of childhood ad adolescent animal cruelty and subsequent violent crime". *Criminal Justice Review*, 29(2), 304-316.
- Thompson, K. L., & Gullone, E. (2006). "An investigation into the association between the witnessing of animal abuse and adolescents' behavior toward animals". *Society & Animals*, 14(3), 221-243.
- Traini, Ch. (2016). *The animal rights struggle*. Amesterdam: Amesterdam University Press.